



# اصالت همزیستی مسالمت آمیز در قرآن

حسام نقیعی مفرد

## درآمد

صلح و همزیستی مسالمت آمیز یکی از مباحث اساسی روز، در حوزه حقوق بین الملل به شمار می رود، چرا که پیشرفت علم و تکنولوژی در کنار تمام آثار مثبتی که برای آسایش و رفاه انسان ها داشته است، سبب وقوع جنگ ها و منازعات ویران گر و وسیع تری نیز نسبت به گذشته شده، که زندگی انسان ها را در سراسر جهان بیش از پیش تحت تاثیر خود قرار داده است. بر همین اساس، در سال های اخیر توجه به صلح و همزیستی مسالمت آمیز بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته، به طوری که بشر تلاش بیشتری جهت یافتن راه کارهای مناسب، جهت دستیابی به آن انجام داده است. در این راستا و با توجه به اینکه هیچ روشی تاکنون نتوانسته به طور قطع و یقین این مهم را محقق سازد، یکی از راه کارهای پیشنهادی می تواند، توجه به آموزه ها و تعالیم دین مبین اسلام به عنوان آخرین دین الهی باشد؛ چرا که اسلام، به دلیل در برداشتن دستورات خالق هستی و مبزا بودن از هر گونه تحدید و تحریف، می تواند در ایجاد صلح و همزیستی مسالمت آمیز میان انسان ها، بسیار مؤثر واقع شود. حال سوال این است که دین اسلام چگونه می تواند به صلح و همزیستی مسالمت آمیز میان انسان ها کمک کند؟

برای یافتن پاسخ این پرسش می توان به قرآن به عنوان اصلی ترین منبع اسلامی رجوع کرد. در قرآن کریم، صلح و همزیستی مسالمت آمیز انسان ها با عقاید و مذاهب گوناگون، یک ارزش و هدف است و به صورت مختلف با تاکید و صراحت کامل بدان سفارش شده است. بر این اساس، می توان به آیاتی از قرآن کریم اشاره کرد که نژادپرستی، تحمیل عقیده و دینی خاص را نهی می کند و از پذیرفتن پیشنهاد صلح و همکاری بر اساس اصول مشترک، تعاون و گفت و گوی مسالمت آمیز استقبال می کند. در قرآن کریم برای تأمین همزیستی مسالمت آمیز به نکات گوناگونی اشاره شده است که در ادامه تلاش خواهد شد تا به چند نمونه از مهم ترین آنها اشاره شود.

### ۱- نهی تبعیض میان انسان ها در قرآن

قرآن کریم، هر گونه برتری نژادی و نیز برتری بر اساس رنگ، جنس و زبان را منتفی می داند و در آیه ۱۳

سوره حجرات می فرماید: «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اكرمکم عند الله اتقاکم ان الله علیکم خبیر؛ هان ای مردم! همانا شما را از یک مرد و یک زن آفریدیم و به هیأت اقوام و قبایلی در آوردیم تا با یکدیگر انس و آشنایی یابید، بی گمان گرمی ترین شما نزد خداوند پرهیزگارترین شماست؛ خداوند دانای آگاه است». این آیه همه انسان ها را فرزند یک پدر و مادر می داند که هیچ برتری میان آنها وجود ندارد و صرفا بر تقوا و پرهیزکاری انسان ها تاکید می کند و آن را ملاکی بر تقرب به درگاه الهی عنوان کرده است.

برابری انسان ها از اقوام و نژادهای گوناگون در قرآن، یکی از نکات کلیدی و اساسی در همزیستی مسالمت آمیز به شمار می آید، چرا که با مروری بر تاریخ، این نکته به روشنی قابل درک است که بسیاری از جنگ ها و مخاصمات در سطوح ملی، منطقه ای و بین المللی ناشی از تلاش افراد متعلق به یک قوم یا نژاد برای تسلط بر افراد دیگر اقوام و نژادها بوده است و این اعلام برابری انسان ها در قرآن، می تواند تدبیری بر پایان این منازعات دیرینه و شروعی بر یک همزیستی مسالمت آمیز، باشد. همچنین، این نگاه برابر و غیر تبعیض آمیز قرآن نسبت به انسان ها، در آیات دیگری از جمله آیه ۲۱۳ سوره بقره، آیت ۲۶، ۲۷ و ۳۵ سوره اعراف، آیه ۷۰ سوره اسراء، آیه ۶ سوره انفطار و آیه ۶ سوره انشقاق که از عباراتی چون «کان الناس امة واحدة»، «یا بنی آدم» و «یا ایها الانسان» استفاده شده، نیز قابل برداشت است.

### ۲- نهی تحمیل فکر و عقیده ای خاص در قرآن

مسلمانا تحمیل فکر و عقیده ای خاص به دیگران، یکی از علل ایجاد تنش و درگیری میان افراد است. به عبارت دیگر، زمانی که فرد یا گروهی بخواهند فکر و عقیده خود را به فرد یا گروه دیگری به زور تحمیل کنند، حتی اگر این امر اتفاق هم بیافتد، همچنان زمینه برای ایجاد تنش و خصومت باقی خواهد ماند. از این روی قرآن کریم با علم به این مسئله، تحمیل دین و عقیده ای خاص به دیگران را مورد نکوهش قرار داده است و در آیه ۲۵۶ سوره بقره می فرماید: «لا اِکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی؛ در کار دین اکراه روا نیست، چراکه راه

از بی راهه به روشنی آشکار شده است». آیه ۹۹ سوره یونس نیز به این امر اشاره کرده است: «لو شاء ربک لآمن من فی الارض کلهم جمیعا اذ انت کره الناس حتی یکنوا مؤمنین؛ چه اگر پروردگارت می خواست، تمامی اهل زمین - بدون این که اختیاری داشته باشند- ایمان می آوردند، پس آیا تو مردم را به اکراه و می داری که مؤمن شوند؟».

همچنین در قرآن آیات متعدد دیگری نیز وجود دارد که تحمیل فکر و عقیده به دیگران را نهی کرده است و این امر را خواست پروردگار دانسته است تا انسان ها به اختیار خود و از روی عقل و منطق راه راست را از بی راه پیدا کنند و ایمان بیاورند. در آیه ۲۹ سوره کهف آمده است: «لو اذ الحق من ربکم فمن شاء فلیؤمن و من شاء فلیکفر؛ و بگو: این حق از سوی پروردگارتان است، پس هر کس می خواهد ایمان بیاورد و هر کس می خواهد کفر ورزد». قرآن کریم حتی پیامبر را نیز از تحمیل عقیده و دین به افراد نهی کرده است و وظیفه او را تنها رساندن پیام پروردگار دانسته است و در آیه ۱۰۷ سوره انعام فرموده: «لو شاء الله ما اشرکوا و ما جعلناک علیهم حفیظا و ما انت علیهم بوكیل؛ و اگر خداوند می خواست، شرک نمی ورزیدند، ولی تو را نگهبان آنان نگماشته ایم و تو کارساز آنان نیستی».

### ۳- توجه به اصول مشترک و مجادله به احسن

#### در قرآن

هر گاه دو نفر، دو گروه یا دو مذهب با هم جمع شوند و اشتراکات خود را مشخص نموده و نقاط همسو را مطرح کنند، راه نیل به تفاهم هموارتر می گردد. در آیه ۶۴ سوره آل عمران، قرآن کریم تاکید می کند که به مشترکات اعتقادی توجه بیشتری شود تا وحدت نظر حاصل گردد: «قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمة سوا بیننا و بینکم الا نعبد الا الله و لا نشرک به شیئا و لا یتخذ بعضنا بعضا اربابا من دون الله فان تولوا فقولوا اشهدوا بانا مسلمون؛ گو ای اهل کتاب بیایید تا بر سخنی که بین ما و شما یکسان است بایستیم که جز خداوند را نپرستیم و برای او هیچ گونه شریکی نیابوریم و هیچ کس از ما، دیگری را به جای خداوند به خدایی برنگیرد؛ و اگر روی گردان شدند، بگویید: شاهد باشید که ما فرمانبرداریم». از آنجا که قرآن کریم

مورد تصدیق ادیان الهی است و همه کتب آسمانی مصدق یکدیگرند، موجهی برای اختلاف وجود ندارد. این آیه از آیات بسیار مهم در دعوت افراد به سوی وحدت جهت همزیستی مسالمت‌آمیز به شمار می‌رود. قرآن کریم بدین وسیله به افراد می‌گوید که اگر در تمام اهداف نتوانستید یکسان عمل نمایید، ناامید نشوید و بکوشید دست کم در قسمتی که با هم اشتراک هدف دارند، همکاری کنید و آن را پایه پیشبرد اهداف مقدس خود قرار دهید. زمانی که پیامبر گرامی اسلام (ص) بعد از ماجرای حدیبیه نامه‌هایی به سران حکومت‌های بزرگ جهان مانند «موقس» زمامدار مصر و «هرقل» پادشاه روم و «کسری» پادشاه ایران نوشت، به آیه مذکور اشاره کرد - یعنی اصل مهمی که حلقه اتصال همه ادیان آسمانی است که همان اصل توحید است - و این نشان می‌دهد که صلح‌طلبی اسلام ریشه در قرآن و عصر پیامبر (ص) دارد.

همچنین قرآن همگان را به انتخاب بهترین شیوه گفتگو با دیگران دعوت می‌نماید و در آیه ۴۶ سوره عنکبوت می‌فرماید: «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَ قُولُوا أَمَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأَنْزَلَ إِلَيْكُمْ وَ إِنْ هُمْ إِلَّا أَهْلُ الْكُفْرِ وَ تَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ»؛ و با اهل کتاب جز به شیوه‌ای که نیکوتر است مجادله نکنید، مگر کسانی از آنها که مرتکب ظلم و ستم شده‌اند؛ و بگوئید به آن چه بر ما و - به آن چه - بر شما نازل شده ایمان آورده‌ایم و خدای ما و شما یکی است و ما همه فرمان بردار اویم». این آیه به مسلمان دستور می‌دهد تا روابط و تعاملات خود با اهل کتاب را بر «اصول مشترک» قرار دهند؛ زیرا بدین روش، امید به ایجاد تفاهم و همدلی بیشتر است. به عبارت دیگر، منظور آیه این است که با ملایمت و نرمی و مدارا با دیگر افراد رفتار شود و در برابر خشونت، نرمش و در برابر غضب، بردباری و در مقابل شتاب‌زدگی آرامش و تانی نشان داده‌شود.

در کنار توجه به اصول مشترک، «مجادله به احسن» نیز جزئی از اخلاق اسلامی است که در آیات دیگری بر آن تاکید شده است. قرآن کریم در آیه ۳۳ تا ۳۵ سوره فصلت می‌فرماید: «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَ عَمِلَ صَالِحًا وَ قَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ (۳۳) وَ لَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَ لَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَدَاوَةٌ وَ لِيَ حَمِيمٍ (۳۴) وَ مَا يَلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَ مَا يَلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ (۳۵)»؛ و کیست خوشگفتارتر از آن کس که به سوی خدا دعوت نماید و کار نیک کند و گوید من [در برابر خدا] از تسلیم‌شدگانم (۳۳) و نیکی با بدی یکسان نیست [بدی را] آنچه خود بهتر است دفع کن آنگاه کسی که میان تو و میان او دشمنی است گویی دوستی یک دل می‌گردد (۳۴) و این [خصلت] را جز کسانی که شکیبیا بوده‌اند نمی‌یابند و آن را جز صاحب بهره‌ای بزرگ نخواهد یافت (۳۵)». بر این اساس، آنان که در گفتار خویش، نیکوتر و خوش‌گفتارتر باشند، صاحب بهره‌ای بزرگ خواهند بود و این گونه افراد برای گفتگو بین پیروان ادیان و اقوام ملل مختلف،

شایسته‌اند، چرا که گفتگو و مجادله‌ای که بر مبنای احترام و حفظ شأن طرفین باشد، احتمال بیشتری دارد که به نتیجه مثبت و صلح و دوستی منتهی گردد.

**۴- ضرورت توجه به تعاون و همکاری در قرآن**  
از ضروریات زندگی اجتماعی، همکاری و تعاون است. زندگی اجتماعی و نظام بین‌المللی، بدون همکاری و تعاون در ابعاد مختلف سیاسی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ممکن نیست. برای حل مشکلات روزافزون جهانی، چاره‌ای جز مشارکت و تعاون وجود ندارد. قرآن کریم، تعاون و مشارکت را، که یک اصل عقلانی نیز می‌باشد، مورد تاکید و سفارش قرار داده و مسیر آن را در جهت «بِرّ و تقوا» دانسته است و از تعاون برای ارتکاب گناه و ظلم نهی نموده است و در آیه ۲ سوره مائده می‌فرماید: «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ؛ بر نیکی و تقوا همکاری و تعاون نمایید و بر محور گناه و تجاوز مشارکت ننمایید».

در مقیاس جهانی، تلاش برای ایجاد عدالت، برابری، صلح، امنیت و توسعه از مصادیق «بِرّ» می‌باشد و مبارزه با سلطه، نزع، نژادپرستی و هر نوع تلاش برای قطع ریشه‌های تجاوز در سطح جهانی، تلاش در جهت نزدیک‌تر شدن ملت‌ها و صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز محسوب می‌شود که در این راه، باید از هر نوع همکاری مثبت سود جست؛ هر قدر توجه به اصول مشترک بیشتر باشد، تفاهم بین‌المللی بیشتر می‌شود و در نتیجه صلح و امنیت جهانی تأمین می‌گردد.

**۵- حمایت از صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز در قرآن**

اسلام از ابتدا، اصول صلح را پی‌ریزی نموده و از این طریق، راه را برای پیمودن صلح بین‌المللی و همزیستی مسالمت‌آمیز هموار ساخته است. در این مورد کافی است که بدانیم صلح، روح اسلام است. واژه اسلام از ماده «سلم» گرفته شده است و بدین جهت، متضمن معنای سلامت و آرامش است، لذا قرآن در آیه ۲۰۸ سوره بقره دستور می‌دهد که همگی در حوزه «سلم و صلح» وارد شوند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً...؛ ای افراد با ایمان، همگی در حوزه مسالمت وارد شوید...». «سلم» خیلی عالی‌تر و بادوام‌تر از «صلح» است، زیرا به معنای سلامت و امنیت است و صورت موقت و ظاهری صلح را ندارد. خداوند در آیه ۶۱ سوره انفال به پیامبر اکرم (ص) دستور می‌دهد که اگر دشمنان تو از در مسالمت وارد شدند و به آن میل کردند، تو نیز از فرصت استفاده کن و با آنان موافقت نما: «وَ إِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا...؛ و اگر دشمنان به صلح تمایل داشتند تو نیز مایل به صلح باش...».

قرآن کریم همچنین در آیه ۹۰ سوره نساء از پذیرفتن پیشنهاد صلح استقبال می‌کند: «... فَإِنْ اعْتَرَفُوا بِكُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَ لَمْ يَأْتُواكُمْ بِالْقَوْلِ إِنَّا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَيِّئَاتٌ... پس هر گاه از جنگ با شما کناره گرفتند و تسلیم شدند، در این صورت، خداوند راهی برای شما بر علیه آنها نگشوده است». علاقه اسلام به صلح میان انسان‌ها، به حدی است که به افراد با ایمان نوید می‌دهد که شاید بر

اثر نحوه رفتار مسالمت‌آمیز، میان آنها و دشمنان پیوند دوستی پدید آید، به همین دلیل در آیه ۷ سوره متحنه خداوند می‌فرماید: «عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوْدَّةً وَ اللَّهُ قَدِيرٌ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ چه امید است که خداوند در میان شما و کسانی از آنان که با هم دشمنی داشتید، مهربانی پدید آورد و خداوند بر هر کار قادر و (به خلق) آموزنده و مهربان است».

بر این اساس می‌توان گفت، طرفداری از صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز، از خردمندانه‌ترین و مترقی‌ترین برنامه‌هاست و اسلام نیز این برنامه را اتخاذ کرده و تقویت نیرو را برای دفاع در مواقع اضطراری خواسته است. اسلام برای صلح و زندگی مسالمت‌آمیز چنان اهمیت قابل است که حتی در اجتماعات کوچک و در اختلاف خانوادگی نیز دستور به صلح و سازش می‌دهد: «و الصلح خیر».

**فرجام**

زیستن در صلح همواره یکی از دغدغه‌های اصلی انسان‌ها در طول تاریخ بوده است، اما تحولات جوامع بشری تحت تاثیر اکتشافات اختراعات و فن‌آوری‌های نوین در چند سده اخیر، بیش از پیش سرنوشت افراد را در سراسر جهان به هم گره زده است؛ به گونه‌ای که دیگر، افراد و دولت‌ها نمی‌توانند نسبت به سرنوشت سایرین در دیگر نقاط جهان بی‌تفاوت باشند. از این رو، دستیابی به صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز در سال‌های اخیر به یکی از موضوعات مهم و مورد توجه جامعه بین‌المللی تبدیل شده است. با این حال، هیچ وقت در مورد چگونگی دستیابی به آن توافق کاملی وجود نداشته است و دستیابی به راه‌کاری جامع و دائم همیشه مدنظر بوده است.

در این راستا، سود جستن از تعلیم و آموزه‌های ادیان الهی، (از آنجا که همگی از جانب پروردگار یکتا، برای سعادت و خوشبختی انسان مقرر شده است)، می‌تواند دستیابی به راه‌کاری مناسب را برای رسیدن به صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز تسهیل کند. بر این اساس، نقش و دیدگاه‌های دین مبین اسلام به عنوان آخرین و کامل‌ترین دین الهی، می‌تواند بسیار مهم و تعیین‌کننده باشد؛ چرا که اسلام، صلح را به عنوان یک آرمان اجتماعی کامل عرضه داشته است و در کنار آن، جنگ را به طور دقیق تحت قاعده قرار داده است و به وسیله قواعد الزام‌آور مبتنی بر متون مقدس و اصول عدالت محدود کرده است. از لحاظ نظری؛ در اسلام بر اساس آیات قرآن کریم و سنت نبوی، صلح حالت عادی و جنگ صرفاً یک وضعیت استثنایی محسوب می‌شود. در واقع، اسلام ضمن ستایش صلح به عنوان یک اصل اساسی؛ در زمینه روابط بین‌الملل، اصل همزیستی مسالمت‌آمیز را به عنوان یکی از مهمترین اصول حاکم ارائه کرده است، زیرا مقتضای فطرت انسان در مناسبات و روابط خود با هموعانش، حالت همزیستی و مسالمت است و جنگ و ستیزی یک حالت استثنایی به شمار می‌رود.▲

منابع در دفتر مجله موجود است